

سفرنامه

سدیدالسلطنه بوشهری

چکیده

سدیدالسلطنه بوشهری در سال‌های پایانی سده سیزدهم قمری در بوشهر به دنیا آمد. در همین شهر تحصیل کرد و مشغول فعالیت‌های اداری و خدمات دولتی شد. او پس از به قدرت رسیدن رضاشاه، مدتی به زندان افتاد. سدیدالسلطنه اهل پژوهش و نگارش بود و بیش از بیست کتاب به رشته تحریر درآورد. التدقیق فی سیر الطریق، گزارش مسافرت او به مشهد مقدس و عتبات عراق است. او از تهران رهسپار مشهدالرضا (ع) شد و پس از گذشتن از شهرها و مناطق فراوان به تهران بازگشت و مدتی بعد، برای زیارت عتبات عالیات، عازم سرزمین عراق عرب شد. او در این سفر نیز از شهرها و مناطق بسیاری عبور کرد و پس از زیارت حرم امامان معصوم در کاظمین، کربلا و نجف، به بغداد رفت و با کشتی به ایران بازگشت و در دیار خویش، بوشهر، رحل اقامت افکند. این نوشتار، خلاصه‌گونه‌ای از سفرنامه سدیدالسلطنه است که مهم‌ترین ویژگی آن، توصیف دقیق و همراه با جزئیات هر منطقه و مردم آن است.

واژگان کلیدی: سدیدالسلطنه، سفرنامه، مشهد، عتبات عالیات، بوشهر.

محمد علی سدید بوشهری ملقب به سدید السلطنه در سال ۱۲۹۳ قمری متولد شد. در بوشهر به تحصیل زبان و ادبیات و معارف اسلامی مشغول شد و پس از پایان تحصیلات به فعالیت‌های اداری و خدمات دولتی پرداخت. بیشتر فعالیت‌ها و خدمات وی در بنادر و جزایر خلیج فارس بوده است. پس از روی کار آمدن رضا خان، وی به علت ناهماهنگی با حکومت، به زندان افتاد. وی در این باره چنین سرود:

بی گنه افتادم اندر محبس تاریک و تنگ
این هم از خوابیده بخت و درد بی درمان ماست
وی اهل تحقیق و نگارش بود و بیش از بیست کتاب به رشته تحریر درآورد.
کتاب «التدقیق فی سیر الطریق» گزارش مسافرت او به مشهد و عتبات عراق است که گزارشی از آن را می‌خوانید.

گزارشی از سفرنامه سدید السلطنه

سدید السلطنه بوشهری، چهارشنبه ششم صفر ۱۳۱۵ قمری از تهران به مقصد زیارت مشهد مقدس، عازم خراسان می‌شود؛ اما نخست در بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی توفقی دارد و در وصف آن می‌نویسد:

امامزاده واجب التعظیم، حضرت عبدالعظیم از نبایر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است. احادیث زیادی در فضیلت زیارت آن حضرت از ائمه علیهم السلام آمده است. اکابر و بزرگان سلف

و حال، آن چه را شایسته شئون آن حضرت است، از گنبد، ایوان مذهب، ابواب نقره و رواق آینه کاری شده و... غیر از خود به یادگار نهاده‌اند.^۱

اولین منزلی که او به آن گام می‌نهد، خاتون آباد از توابع ورامین است. سپس از طریق شریف آباد، ایوان کی، ده نمک و لاسجرد، وارد سمنان می‌شود و در این شهر با برخی رجال ادبی، عرفانی و حکومتی، ملاقات‌های انجام می‌دهد و بعد از پشت سر نهادن منازل آهوان و بی‌توشه، به دامغان می‌رود. در این شهر، مقارن طلوع آفتاب در منزل سیدزین العابدین، متولی امامزاده جعفر فرود می‌آید؛ خانه‌ای که متصل به بقعه امامزادگان است و ضمن زیارت این بناهای مقدس، گزارشی دقیق از بقعه آنان ارائه می‌دهد و می‌نویسد:

گنبد و بارگاه مذکور در سلطنت گورکانیان (تیموریان) بنا شده است. ضریح امامزاده، چوبین است و در مغرب صحن، بقعه امامزاده محمد است.^۲

میرزا محمد علی، دامغان را پشت سر می‌گذارد و از طریق راه کاروانی مهماندوست و ده ملا، به شاهرود قدم می‌نهد و در کاروانسرای کربلایی اکبر، فرود می‌آید و گزارشی از اوضاع فرهنگی و اقتصادی این شهر ارائه می‌دهد. منازل دیگری که وی تا سبزوار، از آنها عبور می‌کند، عبارتند از: خیر آباد، حسن آباد، میامی، دهنه زید، میان دشت، عباس آباد، مزینان، سوخرد، ریبد و مهر. وی در سبزوار به زیارت بارگاه امامزاده یحیی، فرزند موسی بن جعفر علیه السلام می‌رود و مرقد حاج ملاهادی سبزواری را هم زیارت می‌کند و درباره‌اش می‌نویسد:

تعریف آن مرحوم، از قوه نگارنده بیرون و از طاقت بنده فزون است. تالیفات و تصانیف لطیفه آن بزرگوار بر جلالت و شئون آن توحید آثار، دلیل کافی و گواه صادق است.^۳

منزل بعدی وی، زعفرانیه است و پس از آن از راه شوراب، وارد شهر نیشابور می‌شود و سپس راهی قدمگاه می‌شود و درباره آن می‌نویسد:

می‌گویند آثار قدمین حضرت امام رضا علیه السلام است. تاریخ بنایش ۱۰۹۱ قمری و بر حسب امر شاه سلیمان صفوی بنا شده است.^۴

وی در روز جمعه سیزدهم ربیع الاول ۱۳۱۵ قمری وارد مشهد معظم می‌شود. هنگام اقامت در جوار بارگاه مقدس رضوی، از این مکان مقدس و بناهای ضمیمه آن، گزارش‌هایی ارائه می‌دهد و تاکید می‌کند که این مطالب غیر از نکاتی است که در کتاب مطلع الشمس،

در این باره آمده است. وصف سدید بوشهری از ارض قدس، با توضیحاتی درباره دارالسیاده آغاز می‌شود و آن گاه به توضیحاتی درباره ویژگی‌های معماری، تاریخی و جلوه‌های هنری دار الحفاظ، دار السعاده، گنبد خاتم خان، گنبد الله وردی خان، رواق‌های حرم، مسجد بالاسر، مسجد پشت سر، مسجد زنانه و صحن جدید می‌پردازد.^۵

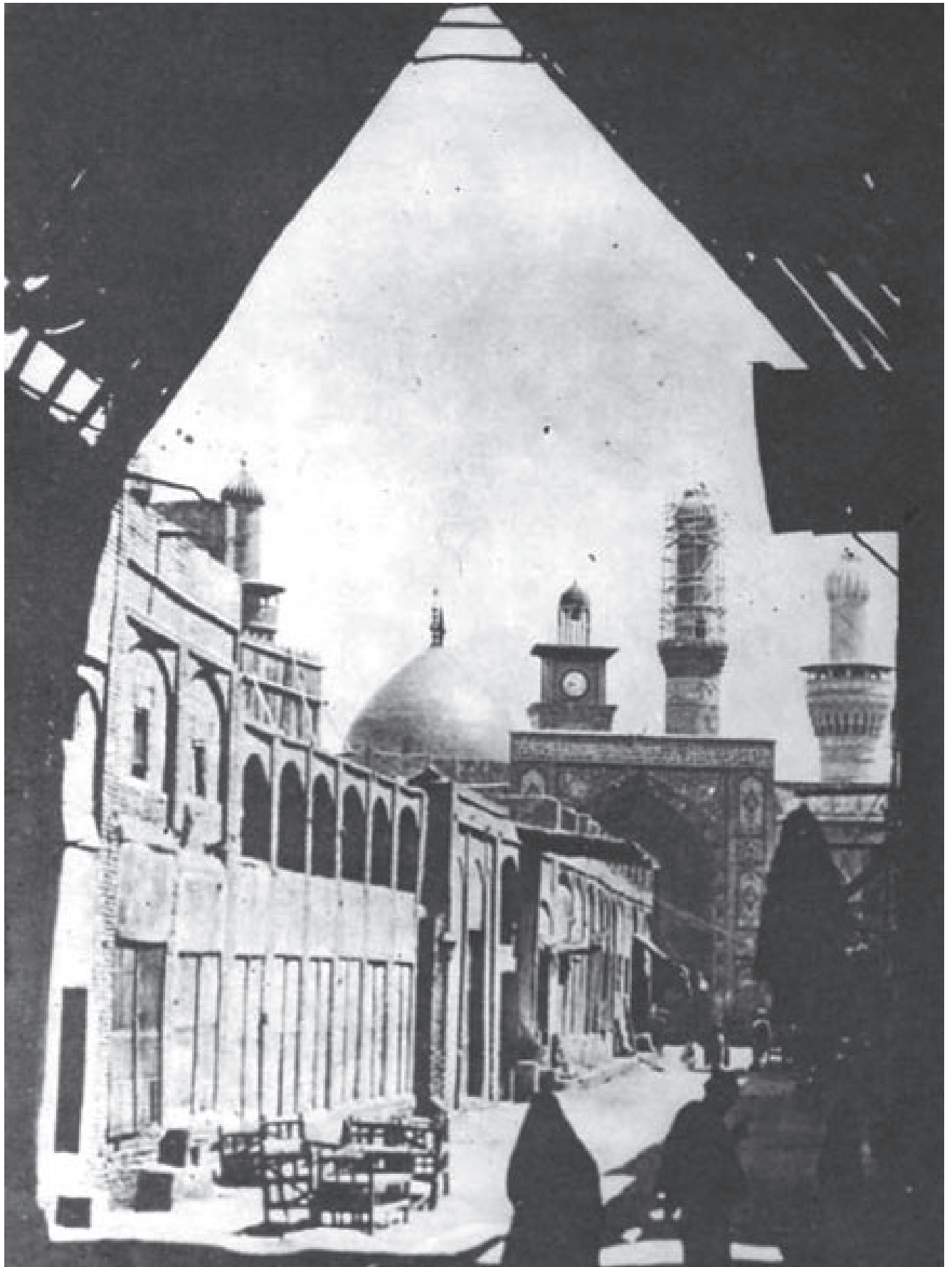
عزیمت به عتبات عراق

میرزا محمد علی سدید بوشهری، بعد از زیارت بارگاه قدس رضوی، از همان مسیری که به مشهد آمده بود، به تهران باز می‌گردد و در روز دوشنبه سیزدهم جمادی الاول ۱۳۱۵ قمری، وارد تهران می‌شود و در این دیار، توقفی می‌کند. اقامت وی در دار الخلافه تهران تا چهارشنبه هیجدهم محرم ۱۳۱۶ قمری به درازا می‌کشد. در این زمان، به قصد زیارت عتبات عراق، عازم سفر زیارتی دیگر می‌شود. وی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم علیه السلام پس از نماز صبح، حرکت می‌کند. او در این باره می‌نویسد:

مقارن زوال آفتاب، به حسن آباد رسیدیم. در خلوت کاروانسرا منزل گرفتیم و مقارن طلوع آفتاب ۲۱ محرم الحرام، به شهر قم رسیدیم و قریب دار الشفاء در خانه سید فتح الله نامی منزل گرفتیم. شبانگاهی به زیارت حضرت فاطمه معصومه نایل آمده، نصر الله خان امیر تومان که حکومت قم را در اختیار دارد، از امین السلطان که مجدداً به صدارت ایران نایل آمده است، وقت خواسته که نگارنده شرفیاب شوم. دوشنبه ۲۳ محرم الحرام موقع زوال به زیارت مرقد حضرت فاطمه معصومه نایل و آن عتبه مقدسه را وداع نمودم. امروز (۲۴ محرم الحرام) به تاج خاتون می‌رویم و بعد از یک فرسنگ و نیم، به تپه سلام رسیده که سر حد خاک قم و خاک عراق عجم است.^۶

مرحوم سدید بوشهری از طریق جیرو و سیاوشان، وارد ساروق می‌شود و ضمن زیارت امامزادگان این شهر، با دقت ویژه‌ای به وصف بقعه و بارگاه آن بزرگواران می‌پردازد. دقت نظر در ثبت کتیبه‌ها و الواح تاریخی و ذکر اسلوب معماری کهن، از مختصات یادداشت‌های اوست و مشخصات کتیبه‌ها، کنده کاری چوب ضریح و صندوق مرقد امامزاده معروف ساروق را که از قرن ششم و هفتم هجری است، یادداشت می‌کند.

این سیاح سخنور و دانشور از راه دیز آباد، قران، حمیل آباد، فرسفع (از توابع ملایر)،



کنگاور، صحنه، بیستون، کرمانشاه، ماهیدشت، هارون آباد، کزند و سرپل ذهاب، قدم به قصر شیرین می‌گذارد و چهارم صفر قمری پس از صرف شام، خاک مملکت خود را وداع کرده و به طرف عراق عرب رهسپار شده، وارد خانقین می‌شود. وی در وصف این شهر می‌نویسد:

خانقین از بلاد معموره و سرحد مملکت ایران و خاک عثمانی است و رود خانه‌ای از وسط شهر می‌گذرد که آن را به دو قسمت می‌نماید و پل محکمی بر روی آن بسته‌اند. امروز پانزدهم صفر به قزل رباط می‌رویم که از قصبات معتبره عثمانی‌هاست و مهر علی بیگ، نایب کارپردازی ایران در آن جاست. شانزدهم صفر، وارد شهر می‌شویم. منزل بعدی این سیاح، یعقوبیه یا بعقوبه است که در بامداد ۱۷ صفر در کاروانسرای آن فرود آمد و در وصف این دیار می‌نویسد:

میانه شهر و جاده بغداد، رودخانه‌ای فاصله است و پلی بر آن بسته‌اند و از قوافل در موقع عبور، حق عبور دریافت می‌نمایند. از یعقوبیه تا بغداد، دلیجان آمد و شد می‌نماید که یک نوع گاری است و در آن دوازده مسافر جای دهند که کرایه هر نفر، نصف مجیدی است. دلیجان را اهل بعقوبیه، عربانه گویند.

وی با اجاره یک عربانه بعد از دو ساعت وارد بغداد شد و با عبور از پل این شهر، خود را به کاظمین رسانید و در خانه سید علی زواید، فرود آمد. خاندان زواید از خادمان قدیمی بارگاه امام کاظم علیه السلام می‌باشند. او می‌نویسد:

پس از صرف نهار، حمامی کرده، به آستان بوسی حضرت موسی بن جعفر و امام جواد علیهم‌السلام نایل آمدیم. سید علی زواید، برای زیارت اربعین، به کربلا رفته‌اند. شام را مهمان خانواده و شیخ سلمان بودیم. امروز محمد کریم خان، نایب کارپردازی دولت ایران و آقا محمد هشام، تاجر شیرازی به دیدن آمدند. امروز نوزدهم صفر، به زیارت حرم مطهر مشرف شده و یازده قافله برای مسافرت به کربلای معلی از همان همکاری که ما را از تهران به بغداد رسانیده بود، به زیارت حرم مطهر نایل آمده، چون سید علی زواید حاضر نبودند، منزل را به خانه اولاد شیخ سلیمان انتقال دادیم و یک ساعت به غروب مانده، غافله ما حرکت نمود.

وی ذیل سه شنبه ۲۳ صفر ۱۳۱۶ قمری می‌نویسد:

وارد مسیب شده، از پل گذشته، در خانه‌ای که کرایه شده بود، فرود آمدیم. مسیب از قصابات معتبره است و آبادی آن بیشتر در طرف بغداد افتاده است. هور الحسین که نخلستان معتبری است، در طرف کربلا واقع شده و در میانه آبادی و آن نخلستان، رودخانه فرات می‌گذرد. نایب کار پردازی دولت ایران به دیدن آمد. شیخ یوسف از خدام نجف اشرف و سید جواد از خادمان حرم کربلای معلی تا مسیب به استقبال نگارنده آمده‌اند. دو بقعه در شهر مسیب دیده می‌شود از کاشی سبزی که منسوب به محمد و ابراهیم که اولاد حضرت مسلم بن عقیل می‌باشند. از کاظمین به کربلای معلی، دلجان، آمد و شد می‌نماید و از هر مسافر یک مجیدی کرایه دریافت می‌نمایند و در ایام متبرکه، کرایه هر مسافر، یک لیره عثمانی خواهد رسید.^۷

توقف در کربلا و نجف

می‌انته شهر و جاده بغداد، رودخانه‌ای فاصله است و پلی بر آن بسته‌اند و از قوافل در موقع عبور، حق عبور دری‌افت می‌نمایند. از عقبوبی‌ه تا بغداد، دلی‌جان آمد و شد می‌نماید که یک نوع گاری است و در آن دوازده مسافر جای دهند که کرایه هر نفر، نصف مجیدی است. دلی‌جان را اهل بعقوبی‌ه، عربانه گوی‌ند.

در چهارشنبه ۲۳ صفر ۱۳۱۶ قمری، سدید بوشهری به اتفاق همراهان، از شهر مسیب به سوی کربلای معلی حرکت کرده، موسی چاوش از جانب حکومت، برای احترام، با این قافله همراه گردید. سدید السلطنه می‌نویسد: از خانقین تا کربلای معلی حرکت مسافر در شب ممنوع بود؛ ولی اولیای دول آل عثمان به نگارنده اجازه دادند و هر شب چهار نفر عبور کرد در ملازمت ما بودند. ساعت دوازده، وارد کربلا شدیم و در خانه حاج میرزا آغاسی فرود آمدیم. آن خانه پس از رحلت آن مرحوم به میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک شیرازی انتقال یافت و



حال تعلق به ورثه مشیر الملک دارد و قدیم الناست و حل آن مطبوع، پسندیده و پنجاه قدم دور از حرم مطهر و قریب باب قبله واقع است و در این جا قرار داریم که سید جواد برای نگارنده و سید عبدالحسین پسر سید رضا برای والده معظمه، زیارت بخوانند. پنجشنبه ۲۴ صفر، میرزا حسن کازرونی که نه ماه است از بوشهر به عراق آمده، به دیدن آمد و پس از آن به زیارت حرم مطهر نایل آمدیم. امروز تب نوی باز معاودت نموده است. میرزا محمد علی موید الاطبارا برای معالجه خود خواستم آمد؛ ولی حکیم مخصوص انیس الدوله، زوجه مرحوم ناصرالدین شاه بود و چهار سال به کربلای معلی مهاجرت کرده‌اند. دو مرتبه بر زیارت حرم مطهر مشرف شدیم. آقا سید علی کلید دار به دیدن آمدند. چند قاطر برای بنه و ملتزمین به کرایه گرفتیم برای حرکت از کربلا به نجف. امروز دوشنبه ۲۸ صفر، به زیارت حرم مطهر امام حسین علیه السلام مشرف شده و دو ساعت به غروب مانده، برای رفتن به نجف اشرف، دلیجان حرکت نمود.

طرف مغرب، ۲۹ صفر به نخلیه رسیده، در آن جا از ثلث مرحوم حاج حسین شمسه کاروان سرایی بنا کرده‌اند که هنوز به پایان نرسیده است. یک ساعت از شب گذشته، از نخلیه حرکت کرده، ساعت چهار به کاروانسرای شور رسیدیم و سرانجام در ساعت ۱۲ وارد

نجف اشرف شدیم و در خانه حاج محمد علی شمسه فرود آمده، در طرف خارج آن منزل نمودیم و طرف عصر به آستان بوسی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام مشرف شدیم. چهارشنبه ۳۰ صفر دو مرتبه به زیارت حرم مطهر مشرف شدیم و در غره ربیع الاول بعد از زیارت حرم به زیارت اهل قبور وادی السلام رفتیم.^۱

وی ذیل دوشنبه ۵ ربیع الاول می نویسد:

به زیارت حرم مطهر نایل آمده، شام را با والده مهمان رحمت بیگم، دختر سید محمد علی، عطیه زوجه شیخ محمد مینایی بودیم. نژادش به قاضی نور الله شوشتری می رسد و اجدادش از شوشتر به نجف اشرف مهاجرت کرده اند. جمعه ۱۶ ربیع الاول، جناب فاضل شریانی (۱۲۴۸-۱۳۲۳ قمری) فقیه عالم ساکن در عتبات عراق به دیدار آمدند. طرف عصر از ایشان بازدید به عمل آوردیم.

سدید السلطنه از خانواده شمسه این گونه یاد می کند:

حاج حسن شمسه از اهالی جبل عامل بوده، از خدام محترم و معقول حضرت ولایت پناهی محسوب می شد و هفت فرزند ذکور داشت که بزرگ ترین آنها حاج محمد علی، هنوز در قید حیات است.

وی همچنین می نویسد:

در نجف اشرف دو طایفه ساکنند؛ شمّر ساکن در مشراق و زگرد که در محلات حویش، عماره و براق مقیمند. ایام توقف نگارنده، شراره شرارت آنان به عابر و مجاور نجف اشرف هم رسید.

او درباره سفر به کوفه می نویسد:

یکشنبه ۱۸ ربیع الاول، نصف ساعت از مغرب گذشته، وارد کوفه شده، پس از راز و نیاز به درگاه معبود بی نیاز شب را در مسجد سهله بیتوته نمودیم. لطافت هوای کوفه در کمترین نقطه دیده می شود. هفت ساعت از شب گذشته، شیخ یوسف شمسه و حاج حسن شمسه را وداع کرده، از کوفه حرکت نمودیم و پس از چهار ساعت به خان مصلی رسیدیم و بعد وارد خان شور شده، در خانه حاج محسن فرود آمدیم. خان شور از قرای معموره است. طریق میانه نخيله و خان شور، امنیت نداشته و مکاریان، روز، حرکت می کردند. هشت صبح

حرکت کردیم و مغرب به نخيله رسیدیم و در کاروان‌سرایي که خانواده شمسه بنا کرده‌اند، فرود آمدیم. مقارن طلوع آفتاب ۱۹ ربیع الاول، وارد کربلای معلی گردیده، در بدو ورود، به زیارت حرم مطهر مشرف شدیم. سه شنبه ۲۰ ربیع الاول، دو مرتبه به زیارت آستانه مقدسه رفته، آقا سید علی کلیددار حضرت سید الشهداء علیه السلام به دیدن آمدند و تکلیف تشریف به داخل ضریح مقدس که کمتر کسی را ممکن شود، نمودند... روز بعد، والده معظمه به زیارت حرم مشرف شدند و نگارنده نظر به کسالت و نفاهت، از این فیض محروم شد.

بازگشت از کربلا

وی در ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۶ قمری بار دیگر این توفیق را به دست می‌آورد که به زیارت بارگاه مقدس حضرت حسین بن علی علیه السلام نایل شود.

در همین روز حاج میرزا کریم شیرازی به دیدار آمد. او همان کسی است که چهار سال است در کربلای معلی مقیم گردیده و در این دیار مقدس، عمارت عالی بنا کرده است. جمعه روز بعد مرحوم سدید و همراهان بعد از زیارت مجدد حرم مطهر کربلا نه ساعت از روز گذشته، توسط دلیجان، کربلا را ترک کرده، مغرب همان روز به شهر مسیب رسیدند و سرانجام در ۲۴ ربیع الاول وارد کاظمین شد و مجدداً توفیق زیارت مرقد مطهر امام کاظم و جواد علیه السلام را به دست آورد. در هنگام اقامت در این دیار مقدس، بررسی‌هایی در باره اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن به عمل آورد و گزارشی از اوزان شهر، نرخ ارزاق، مسکوکات رایج در بغداد و کاظمین ارائه داد.

سرانجام در ۱۳ ربیع الثانی، مشایعت کنندگان را وداع گفته، از طریق کشتی از بغداد به جانب بصره حرکت کرد؛ اما در نیم روز، وقتی کشتی به باب شرقی رسید، به گل نشست و کاپیتان کشتی مسافر و بارها را پیاده کرد. در فرصت پیش آمده، سدید مرقد سلمان فارسی و حدیفه بن یمان را زیارت کرد و از طاق کسری دیدار نمود.

چهارشنبه ۱۹ ربیع الثانی یک ساعت از شب گذشته، وارد عماره شدیم. بازارها باز بود؛ فرود آمده و دو سه ساعتی در شهر توقف داشتیم. پول ایران در آن جا رواج نبود؛ ولی سکنه‌اش به فارسی صحبت می‌کنند؛ لیکن فارسی و عربی غریبی بود که ایرانی‌های دیگر چندان ملتفت نشوند. در ساعت ۱۱ روز ۲۰ ربیع الثانی، به عزیر رسیدیم که زیارتگاه یهود

است؛ یهود را معبد و مهمان‌خانه در آن جاست و آن نقطه در کناره دجله از طرف مغرب واقع و نخلستان‌هایی در آن جا بود و عزیر از انبیای بنی اسرائیل باشد و هر سال یهودیان به زیارت آن روند.

کاروان زیارتی سدید بوشهری، روز جمعه ۲۱ ربیع الثانی، شش ساعت از شب گذشته، وارد بندر موصلاتی بصره شد و مقارن اذان صبح، علی بیگ تذکره چی به کشتی آمد و تذکره‌ها را مورد تفتیش قرار داد. مقررات دولت عثمانی این است که هر کس از قلمرو آنان بیرون بیاید، تذکره‌اش را ضبط می‌کنند. تذکره‌ها مدتی یک ساله دارند و هرگاه قبل از انقضای این مدت، مسافر باز به همان نقطه از سرزمین تحت سلطه عثمانی برگردد، تذکره‌اش را تحویلش می‌دهند. مرحوم سدید چنین می‌نگارد:

مقارن طلوع آفتاب، نگارنده تنها در بلم نشسته و از مقام علی گذاشته، پس از یک ساعت به بصره رسید و به خانه آقا محمد بهبهانی از تجار معروف بصره رفتم. از محمد حسن خان، پسر نصرت‌الوزاره هشتاد روپیه برای مخارج سفر تا بوشهر قرض گرفتم و پس از نهار به اداره و کات کشتی رفتم و بلیط کشتی به مقصد بوشهر گرفتم. سرانجام در ۲۲ ربیع الثانی این کشتی از بصره حرکت کرد و پس از دو ساعت به محمره (خرمشهر) رسید و در آن جا لنگر گرفت و توقیفی کوتاه داشت؛ سپس وارد فاو گردید و رفته رفته سیر شط را پیمود و به دریا رسید و در یکشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۱۶ قمری در لنگرگاه بوشهر

◆ چهارشنبه ۱۹ ربیع الثانی یک ساعت از شب گذشته، وارد عماره شدی.م. بازارها باز بود؛ فرود آمده و دو سه ساعتی در شهر توقف داشتی.م. پول‌ایران در آن جا رواج نبود؛ ولی سکنه‌اش به فارسی صحبت می‌کنند؛ لیکن فارسی و عربی غریبی بود که ای‌رانی‌های دی‌گر چندان ملتفت نشوند.

توقف کرد. میرزا محمد علی سدید کیابی بوشهری، می‌نویسد:
 امروز (۲۳ ربیع‌الثانی) کشتی به لنگرگاه بوشهر رسید و چون نگارنده را قصد بود ماموریت
 و خدمتی از دولت قبول نماید و ایام باقی مانده زندگانی را در املاک خود (واقع در میناب
 و توابع بندرعباس) به مطالعه و تالیف بگذراند، هرگونه بود، والده ام را متقاعد نمودم که از
 بوشهر به عباسی برویم.^۹

پی‌نوشت‌ها:

۱. علی خان سدید السلطنه، التدقیق فی سیر الطریق، تصحیح و تحشیه: احمد اقتداری، انتشارات به نشر
 تهران ۱۳۶۲، ص ۱۷۷ - ۱۷۸.
۲. ص. ۱۹۲ - ۱۹۳.
۳. همان ص ۲۰۱.
۴. همان ص ۲۰۹.
۵. همان ص ۲۱۳ - ۲۴۰.
۶. همان ص ۲۹۹ - ۳۰۲.
۷. همان ص ۳۰۵ - ۳۰۷.
۸. همان ص ۳۰۸ - ۳۲۴.
۹. همان ص ۳۲۴ - ۳۲۷.